

بہتر انداز

فیل زیر خاکی

ہیو
Houpa

ماجراهای ریکی پرنده ۲/۵

فیل زبرخاکی

پل جنینلز

تصویرگر:

اندرو ولدن

مترجم: اعظم مهدوی

Don't Look Now Book 2: A Magician Never
Tells and Elephant Bones
Copyright © Text, Lockley Lodge Pty Ltd, 2013
Copyright © Illustrations, diagrams, handmade
fonts, Andrew Weldon, 2013
First published in the English language by Allen
& Unwin Pty Ltd, Sydney, Australia 2013.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب
قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)
امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا
با بستن قرارداد از ناشر آن (Allen & Unwin) خریداری
کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی
ناشران و مترجمان دیگر، مخالف عرف بین‌المللی و
اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: جنینگر، پل، ۱۹۴۳ - م.
Jennings, Paul
عنوان و نام پدیدآور: فیل زیر خاکی/پل جنینگر؛ تصویرگر اندرو ولدن؛
مترجم اعظم مهدوی؛ ویراستار مسعود ملک‌یاری.
مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۷۷ ص: مصور
فروست: ماجراهای ریکی پرنده؛ ۲.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۷-۹؛ ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۵۰-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Don't look now. Book two, 2013
یادداشت: گروه سنی: ج.
موضوع: داستان‌های فکاهی مصور
موضوع: داستان‌های طنزآمیز
موضوع: پرواز
موضوع: خانواده -- داستان
شناسه افزوده: ولدن، اندرو، ۱۹۷۱ - م، تصویرگر
شناسه افزوده: Weldon, Andrew
شناسه افزوده: مهدوی، اعظم، ۱۳۶۰ - مترجم
رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۴ ف ۷۲۹ ج ۷۴۱/۵ دا
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۳۷۹۱۳

ماجراهای ریکی پرنده/۲

فیل زیرخاکی

نویسنده: پل جنینگر
تصویرگر: اندرو ولدن
مترجم: اعظم مهدوی
ویراستار: مسعود ملک‌یاری
مدیر هنری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک: اعظم مهدوی
چاپ هشتم: ۱۳۹۶
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۵-۷-۹
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۵۰-۴

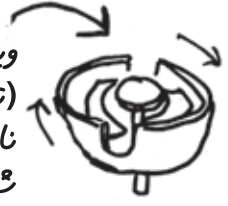


آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون
کوچه دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر
هوپا محفوظ است.
استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای
نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopa.ir
info@hoopa.ir

مدرسه ی
ناشنوایان

ویزی دیزی
(تائیم ساعت بعد از
ناهار سوارش نشوید.
شوخی نمی کنم.)



پارک

نقاشی از: ریکی ©

خانه ی دایان
دونالد سون کنه

بالا رفتن از این درخت مثل
جان کردن است. (شامل حال
کسی که پرواز می کند نمی شود.)

وسایل بازی آشفال و
به درد نخور

نیکت پیک نیک (نه،
واقعاً چه کسی دلش
می خواهد برای پیک نیک
بیاید و اینجا بنشیند؟)



(ریکی چسبکی)
یک گرافیتی که پسر عوی
خنگ من، بریت، اینجا نوشته



حلقه ی بسکتبال
(بچه های از خود راضی
برای خودنمایی از آن
آویزان می شوند تا جلب
توجه کنند.)

صدای قوقو
اعصاب خردکن



جاهایی که همیشه
خدا گلی هستند.

چین های خراب



اسب فزری
(مامان می گوید به درد
سه ساله های خورد.
هاهاها. من که سه ساله
نیستم.)

دکه ی خوراکی فروشی
(به جز آب نبات هیچ چیز
به درد بخوری ندارد.)



داستان اول

یک شعبده‌باز هیچ وقت
کلکش را نمی‌دهد



۱

تیه



مامان

گفت: «تو باید تنبیه بشی ریکی!»

بابا گفت: «همین طوره! مواردش یکی دو تا هم نیست.»

بعد بابا نگاه معناداری به من کرد.

- فیلم ممنوع!

- چی؟

- مک دونالد ممنوع.

- اما این نامردیه!

- شنا ممنوع!

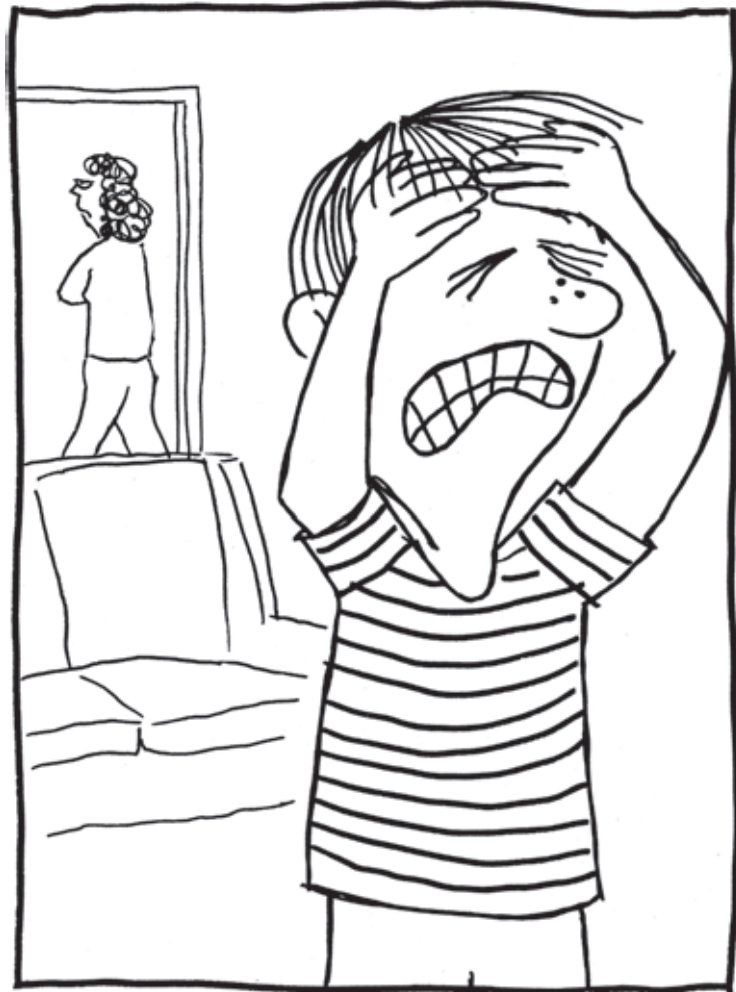
- یه لحظه مهلت بدید.

مامان گوشی تلفنم را قاپید و انداخت تو جیبش.

- تلفن هم ممنوع.

دیگر حرفی برای گفتن نداشتم!

مامان غُرغری کرد و از اتاق بیرون رفت.
بابا منتظر شد تا مامان دور شود. بعد بیخ گوشم آرام
گفت: «ممنوع! می فهمی که یعنی چی؟»
- آخه بابا...
بابا حرفم را قطع کرد و گفت: «پرواز ممنوعه ریکی!
ممنوع.»



هر چیزی که سر راهم بود با لگد پرت کردم گوشه‌ای
و رفتم تو اتاقم. مخم از فکر کردن سوت می کشید.

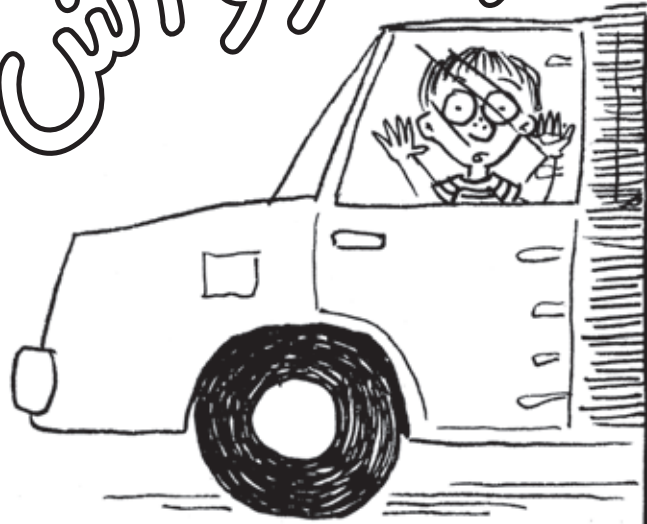
خیلی نا عادلانه بود!

یک چیزهایی هیچ طوری با هم جور در نمی آمد. انگار
که من یک وصله‌ی ناجور بودم و هیچ ربطی به اینجا
نداشتم. بعد از ظهرها معمولاً برای خودم تنهایی ول
می گشتم. درست مثل اینکه نامرئی بودم و کسی مرا
نمی دید و محلم نمی گذاشت.

من خیلی تنها بودم و هیچ دوستی نداشتم. دلم یک
دوست خیلی باحال می خواست.
و او کسی نبود جز...

از کار و اش

رختری





نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که:

نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.

سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود.

و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... **به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر**

